

علوم و فنون ادبی (۲)

دکتر سیروس ستارنژاد

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
ستایش: الهی!	۱
درس یکم: تاریخ ادبیات فارسی در قرنهای هفتم، هشتم و نهم	۲
درس دوم: پایه‌های آوایی	۶
درس چهارم: سبک شناسی در قرن‌های هفتم، هشتم و نهم (سبک عراقی)	۱۱
درس پنجم: پایه‌های آوایی همسان (۱)	۱۲
درس ششم: مجاز	۱۵
درس هفتم: تاریخ ادبیات فارسی در قرن‌های دهم و یازدهم	۱۷
درس هشتم: پایه‌های آوایی همسان (۲)	۱۹
درس نهم: استعاره	۲۱
درس دهم: سبک هندی	۲۴
درس یازدهم: پایه‌های آوایی همسان دو لختی	۲۷
درس دوازدهم: کنایه	۳۰
نمونه سوالات	۳۲



ستایش: الهی!

الهی شعلۀ شوقم فزون ساز	مرا آتش کن و در عالم انداز
الهی ذره‌ای آگاهی‌ام بخش	رهم بنما و بر گمراهی‌ام بخش
ز دانش گوهر پاکم برافروز	چراغ چشم ادراکم برافروز
عطا کن جذبه شوق بلندی	که نه دمی به ره ماند نه بندی
خرد را چاشنی بخش از کلامم	زبان را چرب و شیرین کن به کامم
دلم را چشمۀ نور یقین ساز	در این تاریکیام باریک بین ساز

طالب آملی



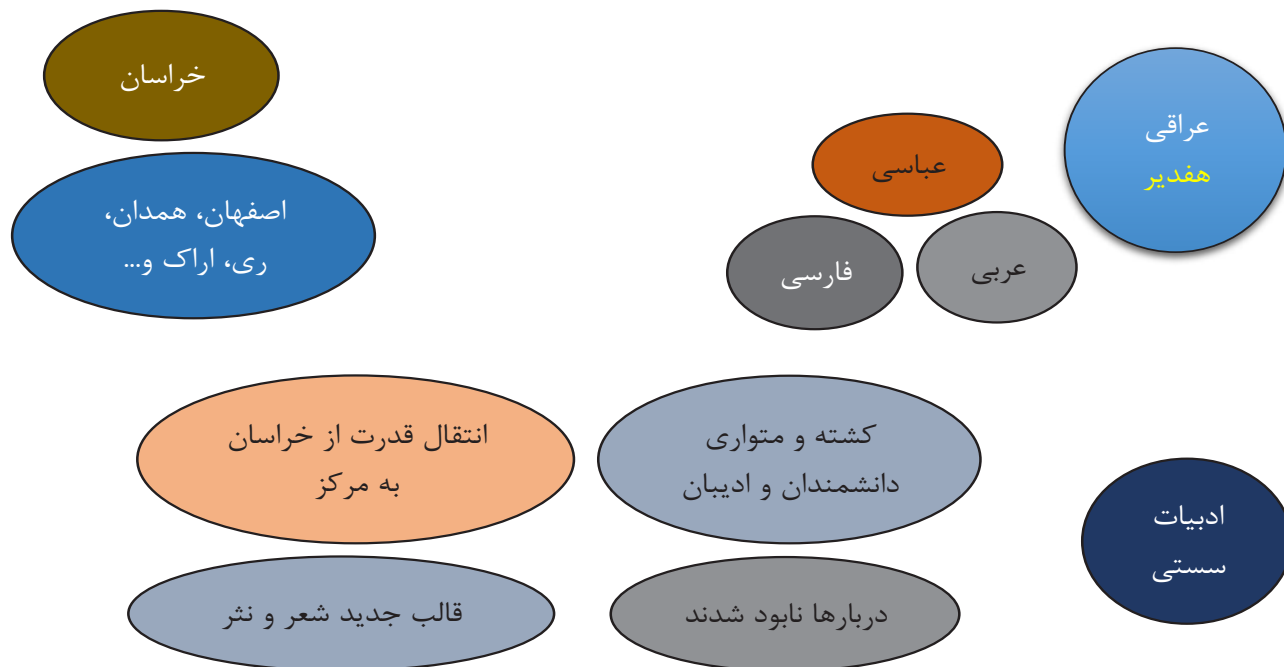
درس یکم

تاریخ ادبیات فارسی در قرنهای هفتم، هشتم و نهم



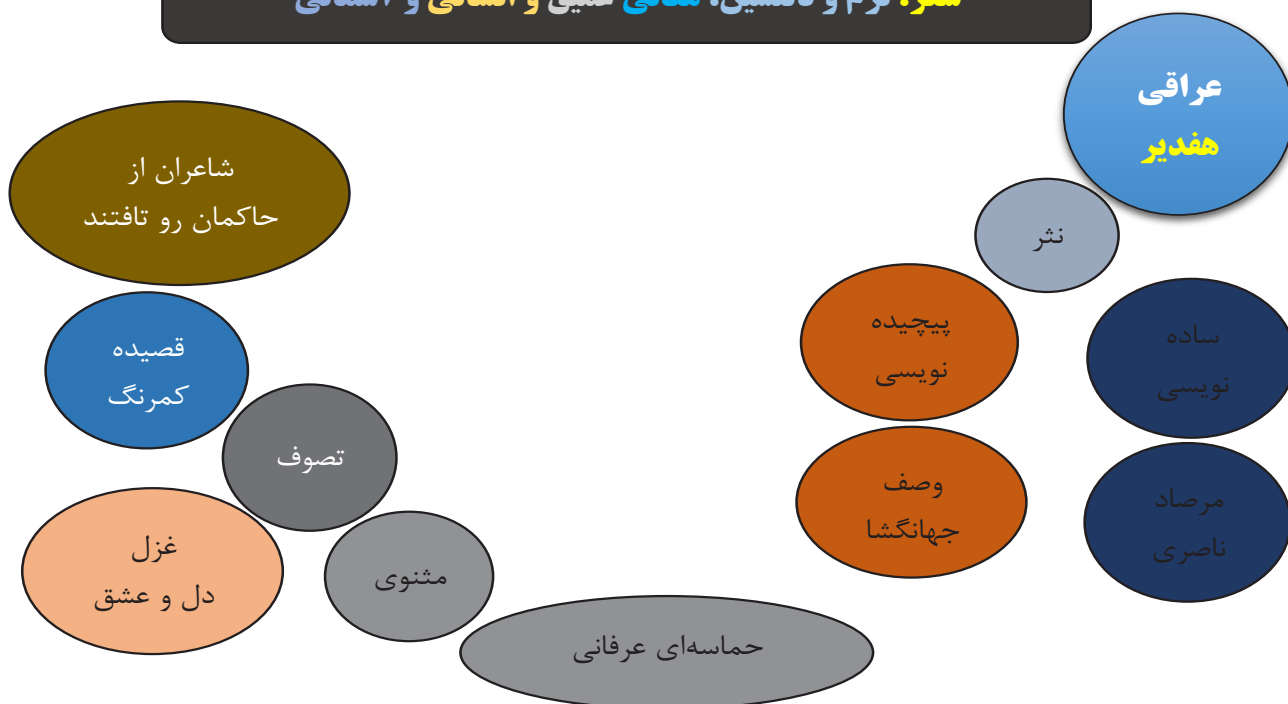


غول آخر خلیفه الله روزه



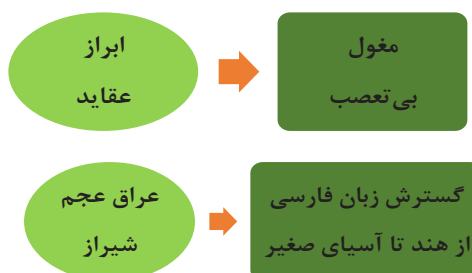


شعر: نرم و دلنشین، معانی عمیق و انسانی و آسمانی



معروفترین شاعران و نویسندگان این دوره:

«مولانا شعرش مغز شمس مجلس مکتب فیه ما فیه کرد»
 «سعدی در بوستان به ثنا، گل نظم و نثر داد»
 «عراقی عاشق مایعات مثر عرفان»
 «دایه عابد نجم‌ها را رصد می‌کنه»
 «چنگیز جهانگشا جونی مصنوعی ساخت»
 «صبح در قلعه خوارزم»
 «خواجه رشید در تبریز عصر جمعه تواریخ ایل اجاق غاز را در یک ربع خواند»
 «راز شمس عجب معایب عقب نقدی داشت»





بیرونقی
قصیده



نابودی دربار

«موش به گربه صد پند اخلاقی دلگشا داد»

«حمدالله گز تلخ خورد تفش کرد»

ویرانی
جدید

مغولان

تیمور و
تیموریان

نمد
هشتگ
نون

هنر: مینیاتور، معماری، تذهیب، تاریخ و ادبیات

تاثیر از
ایران

شاهرخ

بایسنقر
میرزا

هرات

اهل هنر/ شاهنامه و قرآن به خط خوش، تصاویر

از شاعران و نویسندگان معروف این دوره افراد زیر را می‌توان نام برد:

انسان از عطر گل‌های بهار، تج جام را منظم می‌خورد.



درس دوم: پایه‌های آوایی

بیت‌های زیر را می‌خوانیم:

ای ساربان، آهسته ران، کارام جانم می‌رود وان دل که با خود داشتیم، با دل ستانم می‌رود
من مانده‌ام مهجور از او، بیچاره و رنجور از او گویی که نیشی دور از او، در استخوانم می‌رود
محمل بدار ای ساروان، تندی مکن با کاروان کز عشق آن سرو روان، گویی روانم می‌رود

سعدی

اکنون همین شعر را بازخوانی می‌کنیم و به آهنگی که از خوانش آن احساس می‌شود، گوش می‌سپاریم:

ای ساربان	آهسته ران	کارام جانم	نم می‌رود
وان دل که با	خداش تم	با دل سی‌تا	نم می‌رود

اکنون به نمونه‌های زیر و چگونگی شکل‌گیری پایه‌های آوایی و نظم آنها، توجه کنید:

۱. هرکه چیزی دوست دارد، جان و دل بر وی گمارد هرکه محرابش تو باشی، سر ز خلوت بر نیارد

سعدی

هر کِ چی زی	دوست دارَد	جانِ دِل بِر	وِی گُ ما رَد
هر کِ مَح را	بَش تُ با شی	سَر ز خَل وَت	بَر نَ یا رَد

۲. ز کوی یار می‌آید، نسیم باد نوروzy از این باد ار مدد خواهی، چراغ دل بر افروzy

حافظ

ز کوی یا	ر می‌آید	نَ سی مِ با	دِ نورو زی
آزین با دَر	مَدَد خا هی	چَ را غِ دِل	بَ رَف رو زی

۳. خدایا تو دانی که بر ما چه آمد خدایا تو دانی که ما را چه میشد؟

مولوی

خُ دا یا	تُ دا نی	کِ بر ما	چَ آمَد
خُ دا یا	تُ دا نی	کِ ما را	چَ می شُد

۴. یار مرا غار مرا عشق جگرخوار مرا یار تویی غار تویی خواجه نگهدار مرا

مولوی

یار مَ را	غار مَ را	عِش قِ چَ گَر	خا ر مَ را
یا ر تُ یی	غار تُ یی	خا چِ نِ گَ ه	دا ر مَ را



با خوانش درست ابیات و جداسازی پایه‌ها (ارکان)، درمی‌یابیم که بعد از هر پایه، درنگی وجود دارد. درنگ‌های پایان هر پایه یا رکن مرز پایه‌های آوایی را به ما نشان می‌دهند پی هم قرارگرفتن پایه‌های آوایی و درنگ‌هایی که در پایان هر پایه می‌آید، موسیقی و آهنگی را در خوانش بیت‌ها پدید می‌آورد. چگونگی تفکیک پایه‌ها و خوانش بیت‌ها، نظم دیداری و شنیداری را به ما نشان می‌دهند؛ این نظم سبب درک پایه‌های آوایی و لذت بردن از موسیقی متن می‌شود.

سخن عادی	سخن ادبی
باران بارید	۱. ابر آمد و باز بر سر سبزه گریست. ۲. مروارید باران از چشم ابر چکیده. ۳. بهاران که شاباش ریزد سپهر به دامن گلشن ز رگبارها
خورشید طلوع کرد.	۱. گل خورشید شکفت. ۲. پادشاه مشرق چهره نمود. ۳. خسرو خاور علم بر کوهساران زد.

از نظر ادبی شیوه‌های گوناگونی برای آفرینش تخیل و بیان معنا وجود دارد که مهمترین آنها چهار آرایه تشبیه، مجاز، استعاره و کنایه هستند و آنها را در حوزه علم بیان بررسی میکنند. در بیت زیر هم آرایه تشبیه را مشاهده می‌کنید:

صد هزاران دام و دانه است ای خدا ما چو مرغان حریص بی‌نوا مولوی

هر تشبیه ریشه در نوع نگاه و تفکر گوینده دارد و آنچه موجب زیبایی تشبیه می‌شود، وجه شباهتی است که شاعر و نویسنده به آن دست یافته است.

تشبیه چهار پایه یا رکن دارد:

۱. مشبه:

پدیده‌ای است که آن را به پدیده‌ای دیگر مانند می‌کنیم؛ مثل «آیام گل» در مصراع زیر:
آیام گل چو عمر به رفتن شتاب کرد. (حافظ)

۲. مشبه‌به:

پدیده‌ای است که مشبه را به آن مانند میکنیم؛ مثل «گل» در مصراع زیر:
تو همچون گل زخندیدن لب‌ت با هم نمی‌آید. (سعدی)



۳. وجه شبه:

ویژگی یا صفت مشترک میان مشبّه و مشبّه به است که در مشبّه به پررنگتر و آشکارتر است؛ مانند «کریم» در

مصراع زیر:

گرت زدست برآید چو نخل باش، کریم..... (گلستان سعدی)

۴. ادات تشبیه:

واژه‌ای است که آن را برای بیان شباهت میان دو پدیده به‌کار می‌بریم. واژه‌های: چو، مثل، مانند، گویی، همچون،

به‌سان، به‌کردار و... از این دسته‌اند؛ برای مثال «چون» و «وَش» در بیت زیر ادات تشبیه‌اند.

این زبان چون سنگ و هم آهن وش است و آنچه بجهد از زبان، چون آتش است (مولوی)

چهار رکن تشبیه را در مثال‌های زیر مشخص می‌کنیم:

به نرمی بر سر کارون همیرفت
فریدون توللی
وجه شبه

بلم آرام چون قویی سبک‌بار
مشبه مشبه به
وجه ادات
شبه تشبیه

شب در تمام پنجره‌های پریده رنگ
مانند یک تصور مشکوک
ادات تشبیه
پيوسته در تراکم و طغیان بود
فروغ فرخزاد
وجه شبه

او به شیوۀ باران پر از طراوت تکرار بود.
مشبه ادات مشبه به
وجه شبه
شبه تشبیه
سهراب سپهری

انواع تشبیه از نظر پایه‌ها (ارکان)

تشبیه را بر اساس این چهار پایه می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: گسترده و فشرده.

الف) تشبیه گسترده

از میان رکن‌های تشبیه، ذکر مشبّه و مشبّه به ضروری است؛ اما وجه شبه و ادات تشبیه را می‌توان حذف کرد. به تشبیه‌ای که چهار رکن یا سه رکن را در خود داشته باشد، تشبیه گسترده می‌گویند؛ نمونه‌های زیر از این نوع هستند:

الف) تشبیه گسترده

از میان رکن‌های تشبیه، ذکر مشبّه و مشبّه به ضروری است؛ اما وجه شبه و ادات تشبیه را میتوان حذف کرد. به تشبیهی که چهار رکن یا سه رکن را در خود داشته باشد، تشبیه گسترده میگویند؛ نمونه‌های زیر از این نوع هستند:

زندگی آتشگهی دیرنده پا برجاست

گر بیفروزش، رقص شعلهاش در هر کران پیداست

ور نه، خاموش است و خاموشی گناه ماست.

سیاوش کسرای

در شعر بالا سه رکن تشبیه وجود دارد و ادات تشبیه حذف شده است.

زندگی آتشگهی دیرنده پا برجاست

گر بیفروزش، رقص شعلهاش در هر کران پیداست

ور نه، خاموش است و خاموشی گناه ماست.

سیاوش کسرای

در شعر بالا سه رکن تشبیه وجود دارد و ادات تشبیه حذف شده است.

مثال‌های دیگر:

نامت در چشمانم / چون الله، سرخ / چون نسترن، سپید / و مثل سرو، سبز می‌ایستد. منوچهر آتشی

سینه باید گشاده چون دریا تا کند نغمهای چو دریا ساز هوشنگ ابتهاج

در تشبیه‌های بالا هر چهار رکن تشبیه وجود دارد.

ب) تشبیه فشرده (بلیغ)

تشبیهی که فقط دو رکن اصلی یعنی مشبّه و مشبّه دارد، تشبیه فشرده است. در عبارت: ای مهتر، آفتاب چراغ آسمان است و تو چراغ زمینی، آفتاب چراغ دنیاست، تو چراغ دینی. کشف الاسرار میبدی

حذف وجه شبه و ادات تشبیه، تشبیه را خلاصه کرده است. به این نوع تشبیه، تشبیه بلیغ نیز می‌گویند. این تشبیه کلام را ادبی‌تر و زیباتر می‌کند.

تشبیه فشرده گاه به صورت اضافی (مضاف و مضاف‌الیه) و گاه به صورت غیراضافی به کار می‌رود (تشبیه‌های غیراضافی معمولاً به صورت جمله اسنادی هستند)؛ برای مثال:

کیمیای سعادت (اضافی) سعادت، کیمیا است. (غیراضافی)

در مثال‌های زیر:

الف) دست از مس وجود چو مردان ره بشوی تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی حافظ



ب) آتش خشم اوّل در خداوند خشم افتد؛ پس آنگه زبانه به خصم رسد یا نرسد.
وجود به مس، عشق به کیمیا و خشم به آتش در ترکیبهایی اضافی مانند شده‌اند.
ج) تو سرو جویباری، تو لاله بهاری
تو یار غمگساری، تو حور دلربایی
در این بیت نیز معشوق به سرو، الله و حور تشبیه شده است.
چند نمونه دیگر از این نوع تشبیه در ادامه آمده است:

گویند روی سرخ تو سعدی که زرد کرد؟ اکسیر عشق بر مسم افتاد و زر شدم
نگارش دهد گلبن جویبار در آیینۀ آب رخسارها
مادری دارم بهتر از برگ درخت/ دوستانی بهتر از آب روان/ و خدایی که در این نزدیکی است. سهراب سپهری
تلمیذ بی ارادت عاشق بیزر است و رونده بی معرفت مرغ بی پر
گلستان سعدی



درس چهارم

سبک شناسی در قرن های هفتم، هشتم و نهم (سبک عراقی)

ویژگیهای سبک عراقی

الف) شعر:

ویژگی های شعر این دوره در سه قلمرو عبارت انداز:

مقایسه ویژگیهای فکری سبک خراسانی و عراقی

خراسانی	عراقی
ستایش خرد	ستایش عشق
شادی گرایی	غم گرایی
وصال	فراق
واقع گرایی یا توجه به دنیای بیرون	ذهن گرایی یا توجه به دنیای درون
رواج روحیه پهلوانی و حماسی	رواج روحیه عرفانی و اخلاقی
باور به اختیار و اراده	باور به قضا و قدر
زمینی بودن معشوق	آسمانی بودن معشوق
بازتاب اندک علوم در شعر	بازتاب بیشتر علوم در شعر

نثر فنی تضعیف

تاریخ نویسی ساده

ورود لغات ترکی و مغولی

سستی و ضعف در
ساخت دستوری

ساده نویسی

ظفر نامه شامی
امیر تیمورسلطان حسین بایقرا و
امیر علیشیر نواییمحاكمه اللغتين
بابرنامهملاحسین واعظ کاشفی
کلیله و دمنه
انوار سهیلینور حسین کل
دنیا را گرفتنابودی کتابخانه ها فضلا
انحطاط فکری صحت مطالب

ضعف تحقیق و تتبع

ضعف عرفان و سازش با
مغولان



درس پنجم

پایه‌های آوایی همسان (۱)

پس از تشخیص و درک پایه‌های آوایی، درمی‌یابیم که پایه‌های آوایی بیتها، به شکلی هماهنگ در پی هم می‌آیند. به بیان دیگر، میتوان پایه‌ها را به دسته‌هایی منظم بخش کرد. اکنون، چگونگی نظم هر یک از این دسته‌ها را بررسی می‌کنیم.

به چینش پایه‌های آوایی بیت زیر، دقت کنید:

درین درگاه بیچونی، همه لطف است و موزونی چه صحرایی، چه خضری، چه درگاهی، نمیدانم مولوی

دَرین دَرگا	ه بی چونی	ه مِ لُط قَس	ت موزونی
چ صَحرا یی	چ خَضرا یی	چ دَرگا هی	نِ می دا نَم

برخی از وزن‌ها یا ارکان شعر فارسی عبارت اند از:

مفاعیلن (..u)	فاعلاتن (..u)
مستفعلن (u..)	مفعلاتن (..uu)

مثال در این بیت «وزن واژه»، مفاعیلن (ت تن تن تن) است.

پایه‌های آوایی	دَرین دَرگا	ه بی چونی	ه مِ لُط قَس	ت موزونی
	چ صَحرا یی	چ خَضرا یی	چ دَرگا هی	نِ می دا نَم
وزن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن

تکرار و تمرین از طریق گوش دادن، یکی از راههای مؤثر درک وزن بیت است. همچنین قرار دادن نشانه‌های هجایی یکی دیگر از راههای مؤثر برای تشخیص وزن است. اکنون بیت بالا را با نشانه‌های هجایی می‌نویسیم:

پایه‌های آوایی	دَرین دَرگا	ه بی چونی	ه مِ لُط قَس	ت موزونی
	چ صَحرا یی	چ خَضرا یی	چ دَرگا هی	نِ می دا نَم
وزن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن
نشانه‌های هجایی	--- U	--- U	--- U	--- U

هرمصرع این بیت، از چهار پایه همسان «مفاعیلن» (ت تن تن تن) تشکیل شده است.



به نمونه زیر توجه کنید.

خداوند، شبم را روز گردان چو روزم بر جهان، پیروز گردان نظامی

خُدا وَنِ دا	شَبَم را رو	زِ گَر دان
چُ رُو زَم بَر	جَهان پی رو	زِ گَر دان

می‌بینیم که موسیقی و آهنگ این بیت با بیت پیشین، همسان است و همان نظم را دارد و چینش هجاهای پایه‌ها، با آن همگون است.

پایه های آوایی	خُدا وَنِ دا	شَبَم را رو	زِ گَر دان
	چُ رُو زَم بَر	جَهان پی رو	زِ گَر دان
وزن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعی (=فعولن)
نشانه های هجایی	- - - U	- - - U	- - U

پس از مقایسه این بیت با نمونه پیشین، درمی‌یابیم که تعداد پایه‌های آنها متفاوت است. هر مصراع این بیت، از سه پایه یا رکن، تشکیل شده است.

وزن بیت به گونه ای سامان یافته است که بافت موسیقایی شعر کوتاه‌تر گردیده و یکی از پایه های آوایی آن کاسته شده است همچنین یک هجا از پایان آن حذف شده است.

اکنون به نمونه های دیگر از پایه های همسان، توجه کنید:

روزگار است این که گه عزت دهد گه خوار دارد چرخ بازیگر از این بازیچه ها بسیار دارد قائم مقام فراهانی

رو زِ گا رَس	تین کِه گِه عِز	زَت دَه د گِه	خا ر دا رَد
چرخ با زی	گر آ زین با	زی چ ها پس	یا ر دا رَد

هر مصراع این بیت از چهار پایه همسان منظم و تکراری، سامان یافته است؛ اما آهنگ و وزن این بیت با بیت پیشین تفاوت دارد.

به پایه های آوایی، وزن و نشانه های هجایی هر پایه این بیت، دقت کنید.

پایه های آوایی	رو زِ گا رَس	تین کِه گِه عِز	زَت دَه د گِه	خا ر دا رَد
	چرخ با زی	گر آ زین با	زی چ ها پس	یا ر دا رَد
وزن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن
نشانه های هجایی	- - U -	- - U -	- - U -	- - U -

همانگونه که آورده ایم، وزن این بیت «فاعلاتن (تن تن تن تن)» است.



نمونه زیر را باهم میخوانیم:

من به هر جمعیتی نالان شدم جفت بدحالان و خوشحالان شدم مولوی

پایه های آوایی	مَن بِ هَر جَم	عی ی تی نا	لان ش دَم
	جُف تِ بَد حا	لَا نُ خُش حا	لان ش دَم
وزن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلا(=فاعلن)
نشانه های هجایی	- - U-	- - U-	- U -

در این بیت نیز به جای چهارپایه، سه پایه آمده و از پایه سوم نیز یک هجا کم شده است. وزن این بیت «فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» است.



درس ششم

مجاز

در بیت:

برآشفت ایران و برخاست گرد همی هر کسی کرد ساز نبرد فردوسی

واژه «ایران» در معنایی غیر از معنای خودش به کار رفته است. ایران، معنایی حقیقی دارد که همان مفهوم «کشور ایران»، وطن و محل زندگی ما است؛ اما در این بیت معنای واقعی کشورمان ایران مورد نظر نیست؛ بلکه معنایی دیگر یعنی «سپاه یا مردم ایران» مورد نظر شاعر بوده است.

مجاز، کاربرد واژه، در معنای غیرحقیقی آن است. کاربرد کلمات در معنای مجازی در زبان محاوره و گفت‌وگوی روزانه بسیار است. وقتی می‌گوییم: «حوض بزرگ است»، «حوض» در معنای اصلی خود به کار رفته است؛ اما هنگامی که می‌گوییم: «حوض یخ زد»، منظور آب حوض است؛ به عبارت دیگر، واژه حوض را که معنایی حقیقی یا اصلی دارد، به کار برده و آب را که معنای غیرحقیقی آن است، اراده کرده‌ایم.

البته دریافت معنی غیرحقیقی واژه براساس «علاقه یا پیوند» بین آن معنا با معنای حقیقی به ذهن می‌آید و همچنین لازم است «قرینه‌ای» در کلام باشد تا معنای غیرحقیقی (مجازی) دریافت شود. علاقه، رابطه و پیوندی است که میان معنای حقیقی و غیرحقیقی یک واژه وجود دارد و قرینه، نشانه‌ای در کلام است که ذهن خواننده را از معنای حقیقی دور می‌سازد و به سوی معنای غیرحقیقی آن سوق می‌دهد.

در جمله بالا، «حوض» در معنای «آب» به کار رفته و «یخ زدن» قرینه‌ای است که ما را از معنای اصلی آن دور می‌کند. بین «حوض» و «آب‌حوض» نیز علاقه و پیوندی هست که حوض را گفته‌ایم و آب حوض را اراده کرده‌ایم.

وقتی می‌گوییم: ماه، دشت لاله‌ها را روشن کرده بود، منظور از ماه، نور ماه است که قرینه «روشن کردن» ما را از معنای حقیقی ماه به مفهوم غیرحقیقی یعنی نور ماه کشانده است. همچنین بین ماه و نور ماه نیز علاقه و پیوندی است که ما را از لفظ ماه به نور ماه رهنمون می‌سازد.

در مثال: جهان خوردم و کارها راندم. بیهقی

جهان در معنای اصلی خود نیست و نعمت‌های جهان منظور است که این کاربرد را از قرینه «خوردن» متوجه می‌شویم. بین واژه جهان و نعمت‌های جهان نیز پیوند وجود دارد.

همچنین در بیت زیر واژه «بیت» کاربرد مجازی دارد:

به یاد روی شیرین بیت می‌گفت چو آتش تیشه می‌زد، کوه می‌سفت نظامی

معنای حقیقی یا اصلی: کوچکترین واحد کلام موزون و شاعرانه

معنای غیرحقیقی: سخن شاعرانه



چنین کاربردهایی را در سخن شاعرانه و نیز کلام عادی بسیار سراغ داریم، زبان فارسی به طور گسترده از معانی مجازی در ادای مقاصد خویش بهره می‌گیرد.

در بیت زیر سه واژه در معنای غیرحقیقی یا مجازی به کار رفته‌اند:

خروشی برآمد ز دشت و ز شهر غم آمد جهان را از آن کار بهر فردوسی

واژه	معنای حقیقی (اصلی)	معنای مجازی (غیرحقیقی)
دشت	صحرا	مردم حاضر در دشت
شهر	نام مکان زندگی	مردم ساکن در شهر
جهان	دنیا	مردم جهان

در معنای مجازی، گاهی نیز واژه‌های را به کمک علاقه شباهت، به جای واژه دیگر به کار می‌برند؛ برای مثال، به جای چشم، به دلیل شباهت آن با گل نرگس، می‌گویند نرگس؛ یعنی واژه‌های را به دلیل شباهت به جای واژه‌های دیگر به کار می‌گیرند؛ این گونه کاربرد مجاز، مهمترین نوع مجاز است:

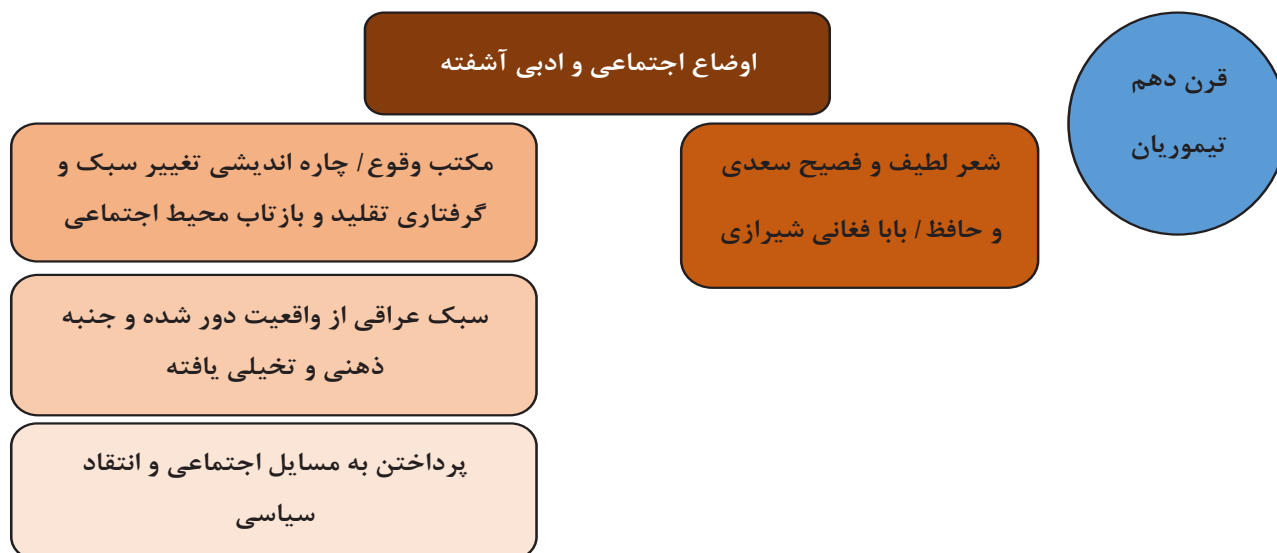
ازمن غمزده دل می‌طلبم غمزه دوست دوستان دلبر ما نرگس گویا دارد وفایی

معنای حقیقی نرگس، گلی با گلبرگ‌های سفید و معنای غیرحقیقی آن «چشم» می‌باشد.



درس هفتم

تاریخ ادبیات فارسی در قرن های دهم و یازدهم





با مذهب شیعه آمد

قرن یازدهم
صفویه

عدم شعر مدحی

بی توجهی شعر ستایشی و درباری و
عاشقانه‌های زمینی

گسترش مدعی شعر و رواج بین مردم

پند و اندرز / توصیف و بیان امور طبیعی / تبدیل
موضوعات و تمثیلات کهن به مضامین تازه و به
زبان جدید

رفتن به دربار هند / قصیده و مدح

رفاه دوره صفوی / توجه بیشتر به فرهنگ

آشنایی با اروپا / مراکز تجمعی قهوه خانه



درس هشتم

پایه های آوایی همسان (۲)

غمش در نهانخانه دل نشیند به نازی که لیلی به محمل نشیند طبیب اصفهانی

غَمَش دَر	نَهان خَا	نِی دِل	نِشی نَد
بِ نَا زِی	کِ لِی لِی	بِ مَح مِل	نِ شِی نَد

پس از خوانش درست بیت و درک موسیقی آن، مرز پایه‌های آوایی آن را مشخص کرده ایم. هر مصراع این بیت از چهارپایه همسان تشکیل شده است. وزن این بیت «فعولن» (ت تن تن) است. برای اینکه نظم هجاها را بهتر نشان دهیم، نشانه‌های هجایی هر پایه را مشخص می‌کنیم.

پایه‌های آوایی	غَمَش دَر	نَهان خَا	نِی دِل	نِشی نَد
	بِ نَا زِی	کِ لِی لِی	بِ مَح مِل	نِ شِی نَد
وزن	فعولن	فعولن	فعولن	فعولن
نشانه‌های هجایی	- - U	- - U	- - U	- - U

به بُرش پایه‌های آوایی و نشانه‌های هجایی بیت زیر، توجه کنید:

خدایا به خواری مران از درم که صورت نبندد دری دیگرم سعدی

پایه‌های آوایی	خُدَا یَا	بِ خَا رِی	مَرَا نَز	دَر م
	کِ صَو رَت	نَبَن دَد	دَرِی دِی	گَر م
وزن	فعولن	فعولن	فعولن	فَعَل
نشانه‌های هجایی	- - U	- - U	- - U	- U

نظم و چینش هجاهای این بیت در هر پایه، با نمونه قبلی یکسان است؛ هر دو بیت با یک آهنگ و وزن سروده شده‌اند و هجاهای کوتاه و بلند آنها به صورت یکسان از پی هم آمده‌اند؛ اما تعداد هجاهای پایه چهارم این دو بیت با هم تفاوت دارند. به بیان دقیقتر، «وزن» این بیت «فعولن فعولن فعولن فعل» است، در این بیت یک هجا از پایه آخر حذف شده است. بنابراین در هریک از وزن‌های همسان، ممکن است یک هجا یا بیشتر از پایان آن حذف شود؛ گاهی هم یک پایه، به صورت کامل حذف میشود؛ یعنی هر مصراع، به جای چهار پایه، سه پایه دارد. اکنون به پایه‌های آوایی این بیت دقت کنید:

گر جان عاشق دم زند، آتش در این عالم زند وین عالم بی‌اصل را، چون ذره‌ها بر هم زند مولوی

گر جان عَا	شِق دَم زَنَد	آ تَش دَرِین	عَا لَم زَنَد
وین عَا لَم	بی اَصَل را	چُن ذَرِها	بَر هَم زَنَد



هر مصرع این بیت، از چهار پایه همسان تشکیل شده‌است. به بیان دیگر، هر مصرع بخشها و پایه های تکراری و منظم چهارهجایی دارد. وزن هر مصرع این بیت از چهار وزن واژه «مستفعِلن» (تَن تَن تَن) تشکیل شده است. برش پایه های آوایی و نشانه های هجایی بیت، به شکل زیر است:

پایه‌های آوایی	گَر جَانِ عَا	شِقِ دَم زَنَد	آ تَش دَرِین	عَا لَم زَنَد
	وین عَا لَم	بی اَصَل را	چُن دَرِها	بَر هَم زَنَد
وزن	مستفعِلن	مستفعِلن	مستفعِلن	مستفعِلن
نشانه‌های هجایی	- U - -	- U - -	- U - -	- U - -

افزون بر آنچه تاکنون از اوزان همسان گفته ایم، پایه های آوایی همسان دیگری در وزن شعر فارسی وجود دارد؛ برای نمونه به نظم هجاها و پایه های همسان این بیت توجه کنید:

یار شدم یار شدم با غم تو یار شدم تا که رسیدم بر تو، از همه بیزار شدم مولوی

پایه‌های آوایی	یا ر شُدَم	یا ر شُدَم	با غَم تُو	یا ر شُدَم
	تا کَر سی	دَم بَر تُو	از هَم بی	زا ر شُدَم
وزن	مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن
نشانه‌های هجایی	- U U -	- U U -	- U U -	- U U -

تقسیم هجاهای این بیت، به دسته های چهارتایی، نظمی همسان ایجاد می‌کند. وزن هر مصرع این بیت از چهار وزن واژه «مفتعلن» (تَن تَن تَن) تشکیل شده است.

به شعر زیر، دقت کنید.

ای نفس خرم باد صبا از بر یار آمده ای، مرحبا سعدی

پایه‌های آوایی	ای نَفَس	خُرَم با	دِ صَبا
	اَز بَر یا	را مَدِای	مَر حَبا
وزن	مفتعلن	مفتعلن	مفتعل (فاعلن)
نشانه‌های هجایی	- U U -	- U U -	- U -

بیت زیر از پایه های آوایی همسان تشکیل شده است؛ اما چینش نشانه های هجایی آن متفاوت است؛ همین موضوع سبب میشود که «وزن واژه» دیگری پدید آید. این «وزن واژه»، «فعلاتن» (تَن تَن تَن) است.

تو حکیمی تو عظیمی تو کریمی تو رحیمی تو نماینده فضلای تو سزاوار ثنایی سنایی غزنوی

پایه‌های آوایی	تُو حَکی می	تُو عَظِی می	تُو کَری می	تُو رَ حِی می
	تُو نَمایند	دِی فَضلی	تُو سِزاوا	رِ ثَنایی
وزن	فعلاتن	فعلاتن	فعلاتن	فعلاتن
نشانه‌های هجایی	-- U U	- U U -	-- U U	- U U -



درس نهم

استعاره

در درس پیش آموختیم که گاهی مجاز بر بنیاد شباهت استوار است و علاقه و پیوند بین معنای حقیقی و غیرحقیقی، علاقه مشابهت است؛ این نوع مجاز را، استعاره میگویند. استعاره، یعنی عاریت و وام گرفتن. در اصطلاح ادبی، استعاره، کاربرد واژه‌ای به جای واژه‌ای دیگر به دلیل شباهت در ویژگی یا صفتی مشترک است. به عبارت دیگر، اگر یکی از دو طرف تشبیه (مشبه یا مشبه‌به) را برگزینیم و طرف دیگر تشبیه را قصد کنیم، استعاره پدید آمده است؛ برای مثال:

با کاروان حله برفتم ز سیستان با حله تنیده ز دل بافته ز جان فرخی سیستانی

در این بیت، فرخی دو بار کلمه حله را به کار برده است. در مصراع اول حله در معنای حقیقی (جامه حریر) به کار رفته و در مصراع دوم آن را به قرینه‌های تنیده ز دل و بافته ز جان در معنای غیرحقیقی (شعر) به کار برده است. دلیل آن هم شباهت این دو از نظر لطافت و نرمی جامه حریر و شعر بوده است.

از سویی دیگر میتوان گفت شاعر، شعر را در لطافت و نرمی به حله تشبیه کرده و مشبه (شعر) را حذف نموده، مشبه به (حله) را به جای آن آورده است.

همچنین در مثال:

آتش است این بانگ نای و نیست باد هر که این آتش ندارد، نیست باد مولوی

در مصراع نخست، شاعر دو رکن اصلی تشبیه را ذکر کرده؛ اما در مصراع دوم مشبه به را آورده است که از آن پی به مشبه می‌بریم.

یا در بیت:

باز امشب ای ستاره تابان، نیامدی باز ای سپیده شب هجران، نیامدی شهریار

محبوب شاعر (مشبه) حذف شده و «ستاره تابان» و «سپیده شب هجران» (مشبه به) به جای آن آمده است.

در مثال های زیر نیز این کاربرد مجازی و عاریت گرفتن واژه‌های به جای واژه دیگر را می‌بینیم:

شب را به بوستان با یکی از دوستان اتفاق مبیت افتاد؛ موضعی خوش و خرم و درختان درهم؛ گفتمی که خرده مینا بر خاکش ریخته و عقد ثریا از تاکش درآویخته. گلستان سعدی

گلها و سبزه های رنگارنگ (مشبه) حذف شده و به جای آن خرده مینا آمده است. همچنین خوشه انگور (مشبه) حذف شده و به جای آن عقد ثریا آمده است.



برای ساده تر شدن سخن، روند رسیدن از تشبیه و ارکان چهارگانه آن به استعاره را می‌توان چنین نشان داد:

تشبیه گسترده	مشبه	ادات تشبیه	وجه شبه	مشبه به
تشبیه فشرده	مشبه		مشبه به	
استعاره	مشبه به / مشبه + ویژگی مشبه به			

با تبدیل چهار رکن (تشبیه گسترده) به دو رکن (تشبیه فشرده) و باز تبدیل دو رکن به یک رکن (استعاره)، زیبایی سخن بیشتر میشود و کلام رساتر و هنری‌تر میگردد. به عبارت دیگر اگر از چهار رکن تشبیه، دو رکن (مشبه و مشبه به) باقی بماند، آرایه تشبیه را داریم؛ اگر از دو رکن تشبیه فقط مشبه به باقی بماند، به آن استعاره آشکار (مصرحه) و اگر مشبه به همراه لوازم یا ویژگیهای مشبه به بیاید، استعاره پنهان (مکنیه) می‌گویند.

به این نمونه دقت کنید:

گفتا که مرو به غربت و می‌بارید از نرگس تر، به الله بر مروارید نظامی

در بیت بالا واژه‌های «نرگس»، «الله» و «مروارید» در معنای اصلی خود به کار نرفته‌اند؛ بلکه به ترتیب استعاره آشکار از «چشم»، «چهره زیبا» و «اشک» هستند.

مثال دیگر:

تا تو را جای شد ای سرو روان در دل من هیچکس مینپسندم که به جای تو بود سعدی

سرو روان: استعاره از یار است.

به نمونه ای دیگر توجه کنید:

نه / این برف را / دیگر سر باز ایستادن نیست / برفی که بر ابرو و موی ما مینشیند. شاملو

همانطور که در جدول ملاحظه شد، گاه ممکن است از پایه‌های تشبیه، فقط «مشبه» (طرف اول) ذکر شود که در این صورت معمولاً یکی از ویژگیهای «مشبه به» نیز همراه آن می‌آید؛ برای مثال:

هزار نقش برآرد زمانه و نبود یکی چنان که در آیینۀ تصور ماست انوری

زمانه (مشبه) به انسانی مانند شده و نقش برآوردن که از ویژگی‌های انسان است همراه مشبه آمده است.

گاه در استعاره پنهان، مشبه موجودی بیجان و غیر انسان و مشبه به محذوف، انسان است که باعث پیدایش جان‌بخشی یا تشخیص در کلام می‌شود؛ برای نمونه:



باغ سلام میکند، سرو قیام می کند سبزه پیاده می رود، غنچه سوار میرسد مولوی

در این بیت شاعر به «باغ»، شخصیت انسانی داده است، زیرا سلام می کند و سرو مانند انسان قیام می کند و سبزه و غنچه نیز رفتار انسانی دارند.

مثال دیگر:

نفس باد صبا مشک فشان خواهد شد عالم پیر دگر باره جوان خواهد شد حافظ

اگر غیر انسان «منادا» قرار گیرد، به این معنا است که آن را «انسان» پنداشته و به او ویژگی انسانی داده ایم؛ این نیز تشخیص است؛ مثال:

ای آبشار نوحه گر از بهر چیستی؟ چین بر جبین فکنده ز اندوه کیستی؟ زیبالنساء

ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست؟ منزل آن مه عاشق کش عیار کجاست؟ حافظ

ای سرو پای بسته به آزادگی مناز آزاده من که از همه عالم بریده ام رهی معیری

بشکن دل بینوای ما را ای عشق این ساز، شکسته اش خوش آهنگتر است سیدحسن حسینی

گاه نیز مشبّه به حذف میشود و یک ویژگی از آن به مشبّه اضافه میشود و به صورت ترکیب اضافی می آید. به این نوع اضافه، اضافه استعاری میگویند. ترکیب «رخ اندیشه» و «زلف سخن» در بیت زیر چنین اند:

کس چو حافظ نگشاد از رخ اندیشه نقاب تا سر زلف سخن را به قلم شانه زدند حافظ



درس دهم

سبک هندی

سبک هندی
۱۱ نم ۱۲

بی توجهی شعر مدحی و
درباری و عاشقانه

تضاد با سنت عرفانی

اندرز / مضمون آفرینی / باریک اندیشی / تبدیل موضوعات کهن به مضامین تازه /
بازسازی اندرزها و تمثیل های کهن به شیوه های نو

ورود عوام به شعر

مضمون های تازه / دوری از استواری

هندی
شعر

رواج زبان کوچه و بازار

نابودی خراسان و فضلا

دایره واژگان بیشتر / لغات کهن نابود / زبان جدید

نواحی تازه ای به فارسی

لغات مربوط به مذاهب و آداب و رسوم هندوان

واژگان عربی کم / ترکی زیاد

زبان واقع گرا

واقعا زبان کوچه هندی و ترکی زیاد و کهن و عربی کم شد



دايع واقعي ما وصف درشكه هندی می‌کرد كه بد سيلی به شرف عثمان زد.

طهماسب تذكر داد به اسكندر عباسی كه حیات واعظ مجلس مومنین نوره برای جمعه شيخ.

از سيلی شرف به عباس قزوینی قلب مصنوعی عيال فر خورد.

حسن بیگ به بینی حبیب خوان احسنت گفت.



هندی
نثر

نظم و نثر

وجه وصفی

مطابقت صفت و موصوف

ات عربی

تتابع اضافات

جملات طولانی

لغات ترکی مغولی

افعال با پیشوندهای متعدد

هندی
نثر

نثر ارزش چندانی ندارد

به زبان عامه نزدیک

انحطاط بیش از تیموری

تصنع و تکلف

تلمیح

آیات، احادیث و عبارات عربی

شعر ضعیف در متن

بی دقتی در تواریخ / مدح و چاپلوسی

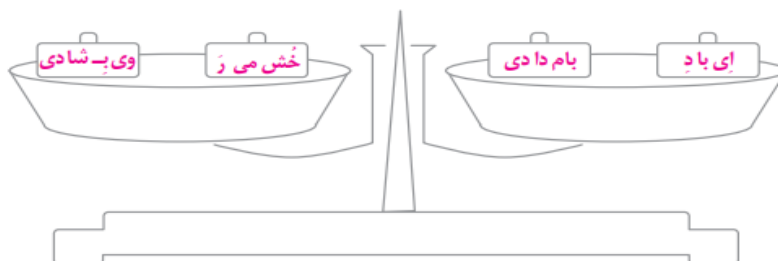
آمیزش فارسی با دیگر زبانها

فرهنگ لغت



درس یازدهم

پایه‌های آوایی همسان دو لختی



در درس‌های گذشته با اوزان همسان، که از تکرار یک پایه آوایی، ایجاد می‌شد، آشنا شده‌ایم. اکنون با گونه‌ای دیگر از وزن‌های همسان، آشنا می‌شویم:

به آهنگ خوانش شعر زیر، توجه کنید:

ای باد بامدادی، خوش می روی به شادی پیوند روح کردی، پیغام دوست دادی سعدی

ای باد بام دا دی	خُش می رَ وی به شادی
پیوند در روح کردی	پیغام دوست دا دی

می‌بینیم که نظم همسان پایه‌های این بیت، دو لختی است، یعنی دو واژه با هم، پایه آوایی به شمار می‌آیند. به بیان دیگر، وزن این شعر از تکرار یک پایه همسان، حاصل نشده است، بلکه پایه‌ها، یک در میان تکرار شده است. در اینجا هر مصراع، به دو پاره، تقسیم می‌شود. مو سیقی و آهنگ پاره دوم، تکرار مو سیقی پاره نخست است. این نوع وزن، وزن همسان دولختی یا «دوری» نامیده می‌شود. در وزن دوری میانه هر مصراع با درنگ و مکثی آشکار، همراه است. در خوانش هم این گسست آوایی باید رعایت شود.

برای درک بهتر نظم پایه‌های همسان دولختی، وزن و نشانه‌های هجایی بیت را نشان می‌دهیم.

پایه‌های آوایی	ای باد	بام دا دی	خُش می رَ	وی به شادی
	پیوند	روح کردی	پیغام	دوست دادی
وزن	مفعول	فاعلاتن	مفعول	فاعلاتن
نشانه‌های هجایی	U - -	- - U -	U - -	- - U -

با خوانش صحیح بیت متوجه می‌شویم که هر مصرع چهار پایه آوایی دارد و از دو پاره همسان تشکیل شده است.

وزن بیت برپایه‌برش هجایی «سه تایی — چهارتایی» است اگر هجاها را به شیوه «چهارتایی — سه تایی» دسته بندی کنیم، وزن واژه «مستعلن فعولن» می‌شود.



توجه: در نظم همسان دو لختی، هر مصراع از دو پاره همگون تشکیل میشود. در این نوع وزن، هر نیم مصراع در حکم یک مصراع است. هجای پایان نیم مصراع، مانند پایان مصراع بلند محسوب می شود، بنابراین هجای کوتاه یا کشیده در پایان نیم مصراع، هجای بلند به شمار می آید.

به نظم هجاهای بیت زیر توجه کنید:

سلسله موی دوست، حلقه دام بلاست هر که در این حلقه نیست، فارغ از این ماجراست سعدی

سِل سِلِی	موی دوست	حَلَقِی دَا	مِ بَ لَاسِت
هَر کِ دَرِین	حَلَقِی نِیست	فَارِغِ زِین	مَاجِرَاسِت

میبینیم که هجای پایان نیم مصراع، «دوست» و «نیست» هجای کشیده است، ام صورت یک هجای بلند محسوب می شود.

اکنون که پایه های آوایی این شعر را درک کرده ایم، آن را با وزن و نشانه های هجایی، نشان می دهیم:

پایه های آوایی	سِل سِلِی	موی دوست	حَلَقِی دَا	مِ بَ لَاسِت
	هَر کِ دَرِین	حَلَقِی نِیست	فَارِغِ زِین	مَاجِرَاسِت
وزن	مفتعلن	فاعلن	مفتعلن	فاعلن
نشانه های هجایی	- U U -	- U -	- U U -	- U -

وزن این بیت، «مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن» است.

به نمونه ای دیگر توجه کنید:

هان ای دل عبرت بین، از دیده عبرکن هان ایوان مداین را، آیینۀ عبرت دان خاقانی

هانی د	لِ عِب رَت بین	آز دید	عِ بَر کُن هان
ای وَا نِ	مَدَا پِن را	آ یِی نِ	یِ عِب رَت دان

پایه های آوایی این شعر نیز از ارکان دولختی (متناوب) تشکیل شده است.

همین بیت را با وزن و نشانه های هجایی نشان می دهیم:

پایه های آوایی	هانی د	لِ عِب رَت بین	آز دید	عِ بَر کُن هان
	ای وَا نِ	مَدَا پِن را	آ یِی نِ	یِ عِب رَت دان
وزن	مفعول	مفاعیلن	مفعول	مفاعیلن
نشانه های هجایی	U - -	- - - U	U - -	- - - U

بیت چهارپایه آوایی دارد و از دو پاره همسان تشکیل شده است؛ پاره دوم تکرار پاره نخست است.

به بیان دیگر وزن این بیت از تکرار دو پایه متفاوت «مفعول مفاعیلن» به صورت دوبار در هر مصراع است که وزن همسان دو لختی (دوری) به شمار می آید.



وزن بیت، برپایهٔ برش هجایی «سه تایی - چهارتایی» به دست آمده، اگر هجاها را به شیوهٔ «چهارتایی - سه تایی» دسته بندی کنیم، وزن «مستفعل مفعولن» می‌شود.

توجه:

در اوزان همسان دو لختی، دو پاره با هم یک واحد موسیقایی به شمار می‌آیند.

آرایش پایه‌ها در اوزان همسان تک پایهای و دولختی را میتوان به گونهٔ زیر نشان داد:

همسان تک پایهای: الف الف الف = □□□

همسان دولختی: الف ب // الف ب = □□ // □□

افزون براین وزن‌ها، در شعر فارسی وزنهای همسان دولختی دیگری وجود دارد، مانند بیت زیر:

تا دل هرزه گرد من رفت به چین زلف او زان سفر دراز خود عزم وطن نمی‌کند

حافظ

وزن بیت زیر «مفتعلن مفاعلهن / مفتعلن مفاعلهن» است:

پایه‌های آوایی	تا دل هر	زان سفر	دراز خد	عزم وطن	نمی‌کند
مفتعلن	مفاعلهن	مفاعلهن	مفتعلن	مفاعلهن	مفتعلن
- U U -	- U - U	- U - U	- U U -	- U U -	- U - U
نشانه‌های هجایی					



درس دوازدهم

کنایه

کنایه هم گونه‌ای از مجاز است که بر بنیاد اصل مجاورت استوار است. همانطور که استعاره بر بنیاد مشابهت استوار بود. در کنایه هم معنای قاموسی و واژگانی عبارت (معنای نزدیک) و هم معنای مجازی (معنای دور) با هم به ذهن خواننده می‌آیند؛ اما خواست گوینده معنای دور است و آن را با تأمل در اجزای کلام و بافت سخن میتوان دریافت. به عبارتی در کنایه معنای نزدیک و دور لازم و ملزوم یکدیگر هستند و با دقت در اجزای کلام، از معنای نزدیک به معنای دور منتقل می‌شویم.

کنایه در لغت، یعنی «پوشیده سخن گفتن» و در اصطلاح، واژه یا عبارتی است که معنای ظاهری و نزدیک آن، مورد نظر گوینده نیست؛ بلکه مفهوم دور آن مدنظر است؛ مثال:

وقتی می‌گوییم «فلانی دست به جیب است» سخنی به کنایه گفته‌ایم و منظورمان این است که او مرد خیر و بخشنده‌ای است و صرفاً هدف ما این نیست که بگوییم او دست به جیب می‌برد.

به این بیت توجه کنید:

همت مردانه می‌خواهد گذشتن از جهان یوسفی باید که بازار زلیخا بشکند صائب

ذهن ما در عبارت «بازار شکستن» با توجه به واژگان و اصطلاحات به کار رفته در بیت مثل یوسف، گذشتن از دنیا و داشتن همت مردانه، به معنای دور آن یعنی «بی رونق کردن» راهنمایی می‌شود.

چند مثال دیگر:

سخن او بر سر زبانها افتاد.

زاغی از آنجا که فراغی گزید، رخت خود از باغ به راغی کشید جامی

اکنون همچنین علمای زمان در علوم موی میشکافند. فیه مافیه مولوی

بر سر زبان افتادن کنایه از «فاش شدن»، رخت کشیدن کنایه از «کوچ کردن» و «موی شکافتن» به معنای دقت کردن و ریزینی است.

دامن کشان که می‌روی امروز بر زمین فردا غبار کالبدت بر هوا رود سعدی

دامن کشان بر زمین راه رفتن، کنایه از «ناز و غرور داشتن» است. مصراع دوم نیز، کنایه از «مردن» است.

فرق کنایه با مجاز

در مجاز، فقط یکی از دو معنی، قابل دریافت است آن هم معنی غیر حقیقی، اما در کنایه، هر دو معنی دور و نزدیک دریافت می‌شود؛ ولی معنی دور اراده شده است. برای مثال وقتی در بیان خسیس بودن کسی می‌گوییم: آب از دستش نمی‌چکد، هم معنای نریختن آب از دست دریافت می‌شود، هم معنای دوم یعنی خسیس بودن؛ اما معنای دوم مورد نظر شاعر است.



فرق استعاره و کنایه

معمولاً استعاره در «واژه» و کنایه در «ساختار کلام»، روی می دهد؛ مثال:

به خون خود آغشته و رفته اند
چه گلهای رنگین به جوبارها
علامه طباطبایی
در این بیت گلها استعاره از شهیدان است؛
اما در بیت:

دامن هر گل مگیر و گرد هر بلبل مگرد
طالب حسن غریب و معنی بیگانه باش
صائب
عبارت های: «دامن چیزی را گرفتن» و «گرد چیزی گردیدن» کنایه هستند و در بافت کلام و عبارت آمده اند.
چند کنایه دیگر:

دسته گل به آب دادن، کنایه از «اشتباه بزرگ کردن»

دست و پا گم کردن، کنایه از «دچار نگرانی شدن، هول شدن»

تنگدست بودن، کنایه از «فقیربودن»

ثابت قدم بودن، کنایه از «با اراده بودن»



نمونه سوالات

۱- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات، متفاوت است؟

- (۱) مرنجان دلم را که این مرغ وحشی از بامی که برخاست مشکل نشیند
 (۲) از گوشه بامت سر پرواز ندارم ای کاش که مرغ دلم از بال و پر افتد
 (۳) چو وحشی مرغ از قید قفس جست دگر نتوان به دستان پای او بست
 (۴) دل نیست کبوتر که چو برخاست نشیند از گوشه بامی که پریدیم پریدیم

پاسخ: گزینه ۲

۲- کدام بیت، «فاد» مفهوم بیت زیر است؟

- پیش کمان ابرویش لابه همی کنم ولی گوش کشیده است از آن گوش به من نمی کند
 (۱) گوش اگر گوش تو و ناله اگر ناله ماست آن چه البته به جایی نرسد فریاد است
 (۲) دی گلهای ز طره اش کردم و از سر فسوس گفت که این سیاه کج گوش به من نمی کند
 (۳) هر گل ناز گلرخی یاد همی کند ولی گوش سخن شنو کجا دیده اعتبار کو
 (۴) قصه حسنت شبی می گفت از هر در کمال مه فرود آمد به بام و گوش بر روزن نهاد

پاسخ: گزینه ۴

۳- مفهوم بیت زیر از کدام بیت، دریافت می شود؟

- ای گل که موج خنده ات از سر گذشته است آماده باش گریه تلخ گلاب را
 (۱) گریه ها در پرده دارد عیشهای بی گمان خنده بی اختیار برق، باران آورد
 (۲) نمی گردد دل آگاه شاد از عشرت دنیا در این ماتم سرا یا طفل یا دیوانه می خندد
 (۳) گل چو بر ناله مرغان چمن خنده زند چه کند بلبل شبخیز که سودا نکند
 (۴) خنده بر بخت زنم یا به وفاداری دوست گریه بر خویش کنم یا به گرفتاری دل

پاسخ: گزینه ۱

۴- کدام دو بیت را می توان به دو صورت دسته بندی هجایی کرد؟

- الف) دست به جان نمی رسد تا به تو برفشانمش برکه توان نهاد دل تا ز تو واستانمش
 ب) نه حسرت وصالش از دل به در توان کرد نه صبر در فراقش زین بیشتر توان کرد
 ج) من نمی گویم که عاقل باش یا دیوانه باش اگر به جانان آشنایی از جهان بیگانه باش



(د) ساقی چمن گل را بی روی تو رنگی نیست شمشاد خرامان کن تا باغ بیارایی

(۱) الف - ب (۲) الف - ج (۳) ب - د (۴) ج - د

پاسخ: گزینه ۳

۵- وزن مقابل کدام مصراع، درست است؟

(۱) چند نومید ز کوی تو دل زار آید: فاعلاتن فعلاتن فعلاتن

(۲) گوهر تاجم که در دست گدا افتاده ام: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

(۳) جهان و کار جهان جمله هیچ بر هیچ است: مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن

(۴) من و باد صبا مسکین، دو سرگردان بی حاصل: مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

پاسخ: گزینه ۲

۶- کدام ابیات، دارای وزن (دوری) شبیه به یکدیگرند؟

(الف) آن روز قیامت را بر پای کند ایزد که آبی پی دلجویی برخاک شهیدانت

(ب) ای بوستان خوبی خارم ز بی نوایی بگذار تا بچینم برگگی ز بوستانت

(ج) جور بکن که حاکمان جور کنند بر رهی شیر که پای بند شد تن بدهد به روبهی

(د) وقتی دل سودایی می رفت به بستانها بی خویشتم کردی بوی گل و ریحانها

(۱) ج - ب (۲) ب - د (۳) الف - ب (۴) الف - د

پاسخ: گزینه ۴

۷- کدام ابیات را می توان به دو صورت دسته بندی هجایی کرد؟

(الف) عشقم آتش زد و آب مژه از سر بگذشت پی آن گوهرتر یک دانه به دریا زده ام

(ب) وقتی نشد که بی دوست بر حال خود نگریم روزی نشد که در عشق بر کار خود نخندیم

(ج) ای بت دل پسند من هر سر موت بند من کاکل تو کمند من طره تابدار هم

(د) نقد جان بر سر سودای جنون باخته ایم ایمن از وسوسه عقل زیان کار شدیم

(ه) از بس عرق شرم نشسته است به رویم محروم ز نظاره آن روی نکویم

(۱) الف، ج (۲) الف، ه (۳) ب، د (۴) ب، ه

پاسخ: گزینه ۴



۸- وزن همه ابیات «دوری» است؛ به جز:

- | | |
|---|---|
| (۱) صید بیابان عشق چون بخورد تیر او | سر نتواند کشید پای ز زنجیر او |
| (۲) ای که ز دیده غایبی در دل ما نشستهای | حسن تو جلوه می کند وین همه پرده بسته ای |
| (۳) بیا که در غم عشقت مشوشم بی تو | بیا ببین که در این غم چه ناخوشم بی تو |
| (۴) می برزند ز مشرق شمع فلک زبانه | ای ساقی صبحی در ده می شبانه |

پاسخ: گزینه ۳

۹- وزن عروضی مصراع «چشم تماشای خلق در رخ زیبای اوست» با کدام مصراع همسان است؟

- | | |
|------------------------------------|---------------------------------------|
| (۱) گرمرد رهی باخبر از ناله دل باش | (۲) خوشتر از دانه اشکم گهری پیدا نیست |
| (۳) قطع نظر ز دشمن ماکرد چشم دوست | (۴) تابه جفایت خوشم ترک جفاکرده ای |

پاسخ: گزینه ۳

۱۰- همه ابیات در وزن همسان دو لختی سروده شده اند؛ به جز:

- | | |
|---|------------------------------------|
| (۱) زان پرده می گشاید دلبد نازنینم | تا در نظر نیاید زیبا نگار چینم |
| (۲) هر گوشه کمین کرده ابروی کماندارش | در صید نظر بازان بگشاده کمینش بین |
| (۳) تا به جفایت خوشم ترک جفا کرده ای | این روش تازه را تازه بنا کرده ای |
| (۴) قامت به ناز افراخته خلقی ز پا انداخته | دل ها مسخر ساخته کشورستانی را ببین |

پاسخ: گزینه ۴

۱۱- کدام بیت، فاقد مجاز است؟

- | | |
|--------------------------------------|-------------------------------------|
| (۱) گر بر سر خاک من بنشینی و برخیزی | تا محشر از این شادی برخیزم و بنشینم |
| (۲) به غمزه نرگس مستت بریخت خون دلم | ولیکن از بر من جان به ناتوانی برد |
| (۳) سر اگر در سر کار توکنم دوری نیست | کان که در دست تو افتاد ز سر نندیشد |
| (۴) سهل است به خون من اگر دست برآری | جان دادن در پای تو دشوار نباشد |

پاسخ: گزینه ۲



۱۲- در همه ابیات آرایه های تشبیه، استعاره و جناس وجود دارد؛ به جز:

- | | |
|--|---|
| (۱) نشد از گوش دلم زمزمه نغمه چنگ | تا عنان دل شیدا بشد از چنگ مرا |
| (۲) مگذار مطرب را دمی کز چنگ بنهد چنگ را | در آبگون ساغر فکن آن آب آتش رنگ را |
| (۳) ای ترک آتش نرخ بیار آن آب آتش فام را | وین جامه نیلی ز من بستان و در ده جام را |
| (۴) ای رخت آینه جان، می چون زنگ بیار | تا ز آیین خاطر ببرد زنگ مرا |

پاسخ: گزینه ۱

۱۳- آرایه های بیت زیر کدام اند؟

«ز باغ حسن خود بر خور که من در سایه سروت جهانی را ز باغ عشق بر خوردار می بینم»

- | | |
|--------------------------------|-----------------------------------|
| (۱) تشبیه، جناس، ایهام، کنایه | (۲) استعاره، مجاز، کنایه، ایهام |
| (۳) تشبیه، استعاره، جناس، مجاز | (۴) کنایه، ایهام، مجاز، واج آرایی |

پاسخ: گزینه ۳

۱۴- در همه ابیات، آرایه «تشبیه و استعاره» یافت می شود؛ به جز:

- | | |
|---|--|
| (۱) پرده بردار ای قمر پنهان مکن تنگ شکر | تا بر سیمین تو احوال ما زرین کند |
| (۲) مشک و عنبر گرز مشک زلف یارم بو کند | بوی خود را وانهند در حال و زلفش بو کند |
| (۳) تنگ شکر شود همه کام و دهان من | چون دل خیال آن بت شیرین دهان کند |
| (۴) چنگ را در عشق او از بهر آن آموختم | کسی نداند حالت من ناله من او کند |

پاسخ: گزینه ۴

۱۵- در کدام بیت تشبیه، استعاره و مجاز «همگی» وجود دارد؟

- | | |
|--|---------------------------------------|
| (۱) گر بدین پسته خندان به چمن بنشینی | غنچه از شاخ به صد آه و فغان برخیزد |
| (۲) تو در حسن، لیلای خرگه نشینی | من از عشق مجنون صحرای نشینم |
| (۳) گر بوسه ای توان زد یاقوت آن دو لب را | یک عمر از این تمنا خون در جگر توان زد |
| (۴) خاک سر راحت شدم ای لعبت چالاک | برخی ز پی جلوه که برداریم از خاک |

پاسخ: گزینه ۴



۱۶- کدام بیت، فاقد «تشبیه» است؟

- (۱) ماه از شرم عذار تو حصاری شده است
این نه هاله است که بر گرد قمر گردیده است
- (۲) غافل از خال و خط و زلف و دهان تو شده است
ساده لوحی که به خورشید تو را سنجیده است
- (۳) شور مرغان چمن حوصله سوز است امروز
گل بی درد به روی که دگر خندیده است؟
- (۴) تاقیامت گر هوش باز نگردد چون خال
هر که را فکر سر زلف به هم پیچیده است

پاسخ: گزینه ۳

۱۷- همه موارد از ویژگی های عمده نثر فارسی در سبک عراقی است؛ به جز:

- (۱) حذف افعال به قرینه - کاربرد لغات مهجور
(۲) رواج نثر داستانی، تمثیلی و عرفانی - اطناب
(۳) استفاده از آرایه های ادبی در نثر - استفاده از ترکیبات دشوار
(۴) کاربرد فراوان آیات، احادیث و اشعار در متن - کوتاهی جملات

پاسخ: گزینه ۴

۱۸- انتساب چند اثر به پدید آورنده آن «غلط» آمده است؟

(مجالس المؤمنین: شیخ بهایی) (حبیب السیر: خواند میر) (جامع عباسی: اسکندر بیگ ترکمان) (عین الحیات: علی بن حسین واعظ کاشفی) (محاکمه اللغتين: سلطان حسین بایقرا) (تحفه الاحرار: جامی) (صد پند: خواجه عبدالله انصاری) (المعجم فی معاییر اشعار العجم: شمس قیس رازی) (رساله دلگشا: عبید زاکانی) (عشاق نامه: فخرالدین عراقی)

- (۱) سه (۲) چهار (۳) پنج (۴) شش

پاسخ: گزینه ۲

۱۹- هر یک از آثار زیر به ترتیب، نمونه کدام نوع نثر است؟

«دیباچه عیار دانش، احسن التواریخ، عالم آرای عباسی»

- (۱) بینابین، مصنوع، ساده
(۲) بینابین، ساده، مصنوع
(۳) مصنوع، بینابین، ساده
(۴) ساده، مصنوع، بینابین

پاسخ: گزینه ۳



۲. مصنوع

در دوره صفویه از نثر مصنوع در فرمان‌ها و منشآت و دیباچه کتاب‌ها استفاده می‌شد؛ همچنانکه دیباچه آثاری مثل شرفنامه بدلیسی و عیار دانش به نثر مصنوع است؛ اما از کتبی که تماماً به این شیوه نوشته شده‌اند از همه معروف‌تر عباس نامه وحید قزوینی و محبوب القلوب میرزا برخوردار فراهی است.

نثر مصنوع این دوره حلاوت و فخامت نثر فنی قرن‌های ششم و هفتم را ندارد و هر چه هست، تکلف و بی ذوقی و غلط‌پردازی است.

از سلی شرف به عباس قزوینی قلب مصنوعی عیال فر خورد

۳. بینابین

نثری است نه چندان ساده و نه چندان دشوار؛ می‌توان گفت که قصد نویسندگان در اصل آسان‌نویسی بوده است؛ هر چند امروزه چندان روان و آسان به نظر نمی‌رسد. از نمونه‌های معروف نثر بینابین کتاب حبیب السیر از خواندمیر و احسن التواریخ از حسن بیگ روملو است.

حسن بیگ به بینی حبیب خوان احسن گفت

۲۰- سبک شعر کدام شاعر، حد واسط سبک دوره عراقی و سبک هندی است و شاخصه اصلی آن چیست؟

(۱) وحشی بافقی، واقع گرایی

(۲) محتشم کاشانی، مرثیه سرایی

(۳) بابا فغانی شیرازی، ظرافت و رفت معانی

(۴) کلیم کاشانی، ابداع معانی و خیال‌های رنگین

پاسخ: گزینه ۱